



ابلیس گرواتی

بعید است که تاکنون نشنیده باشیم آمریکا، ابر قدرت غرب، چگونه تبدیل به ابر قدرت شده است؛ متأسفانه با خوشبختانه آنچه که ایرانیان از آمریکا برای خودشان متصور میشوند، مدینه فاضله ایی ایست که لنگه ندارد. آری قطعا مهد اقتصاد و سرمایه در آن طرف دنیا که توانسته اقتصاد اینور دنیا بچرخاند. مسلما لنگه اش در هیچ کجای نیست و هیچ کس، حریف این اسب افسار گسیخته نمیتواند باشد؛ گاهی باید انسانیت را بیدار کرد و به آن فهماند که پوسته کاغذی و زیبای آمریکا همراه با مسئولان دلسوز گرواتی شان، چقدر در باطنش بشرارت ها نهفته است، جنایات و شرارت‌هایی که انسانیت را هیچ انگاشته و دنیا قرار است با سلطه امریکایی ها، (ادامه در صفحه دو).

محمد مهدی شفایی / تغذیه ۱۴۰۰



پیام سوم...



که مشکلات جامعه را حل کند بیش از همه مهمتر می باشد. دانشجویان که رسالتی از دل جامعه دارند و در عین حال در طول تاریخ در طی چالش های متعددی حضور یافته اند بیش از همه می توانند نقش ایفا کنند. نگاه به انقلاب سوم را دانشجویان با ایجاد ذهنیت تعاملی می توانند رفع و رجوع کنند. اینک که دشمن با تمامی تکاپوی خود ذهنیت خود را به عنوان تنها راه حل مشکلات ترویج می دهد و جوامع متعددی را برای اهداف خود سرکوب و ناامید می سازد، باید این راه را در پیش گرفت. صداقت و شرافت در مجامع فکری دانشجویی نعمتی است که شاید در کمترین محافل می توان یافت. این را باید قدر دانست و در راستای تحقق اهدافی که جامعه را مترقی می کند باید گام برداشت. شاید این تنها راهکار نباشد، لکن حرکت عمومی از میان قشری که یک هدف واحد دارند قطعاً بهترین راهکار است.

در نگاه مردم نمود یافته بود و سرچشمه امید و تکاپو را در کشور ما زنده ساخت. لکن هنوز استکبار در میان اقشار متعدد جامعه ما، در اذهان مردمی ما زنده است. استکبار در نگاه اشرافی گری و در نگاه به ثروت و کار نمود یافته و دست آویز ایجاد فاصله طبقاتی در جامعه ما گشته است. هنوز باید رسالت مبارزاتی با غرب در گفتمان سوم نمود باید و این را تنها باید در یک انقلاب سوم دید. امام راحل، انقلاب دوم را در حرکتی از قشر نخبگانی جامعه مشاهده نمود. اما انقلاب سوم از دل مردم و یک حرکت عمومی نمود پیدا خواهد کرد. انقلاب سوم حرکتی است که با حلقه های میانی ایجاد خواهد شد. حرکتی که برای حل مشکلات جامعه، ایجاد عدالت و ساختار سازی در راستای ولایت تحقق می یابد. امروز مبارزه با استکبار باید در فکر و گسترش ایدئولوژی نگاه اسلامی رشد پیدا کند. در این میان نقش دانشجویان به عنوان قشری که وظیفه شان شناخت مشکلات جامعه، بررسی آن ها و پیشبرد اهدافی است

انقلاب اسلامی در زمانی به وقوع پیوست که جهان به دو شکل از نگاه ایدئولوژیک، بین شوروی کمونیستی و نظام لیبرالیستی غرب تقسیم شده بود. در این میان ایجاد یک گفتمان سوم، برای غرب نمودی از نابودی هیمنه فکری ماتریالیسم در طول تاریخ تلقی می شد. آنگاه که امام خمینی (ره) درباره مبارزه استکبار سخن می گفت، مبارزه فکری با استکبار را در نظر داشت و این مبارزه در نسلی که پیرو خط امام (ره) شدند به نوعی قد کشید تا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ به خود جامعه عمل پوشانید. انقلاب دوم را دانشجویانی رقم زدند که نه شیفته زرق و برق غرب بودند و نه در قید و بند نظریات کمونیستی. کسانی در راه انقلاب دوم گام برداشتند که حرف سومی را از امام دریافتند و برای آن تمامی تلاششان را کردند. یک جوش و خروش عمومی آمریکا را از کشور بیرون کرد. یک حرکت عمومی به گفتمان مبارزاتی علیه استکبار معنا داد. یک گفتمان ملی نابودی غرب و هیمنه فکری آن در ایران را پیش برد. چرا که کلام سوم

ابلیس کرواتسی

سازامحمدیان فروشانی/هوشبری ۱۴۰۰



انها را با قطع یک دست، به سینه قبرستان میفرستادند(از شدت خونریزی).

ایکاش مورخان هلوکاست امریکا را به دیگران اینگونه تعریف می کردند که کلمب، با هفتصد نفر، توانست جمعیت امریکا را از ۲۵ میلیون نفر طی صد سال به یک میلیون نفر کاهش دهد.

جنایات مهیب و هولناکی که در کشورهای دیگر انجام داد، کم از آنچه که با بومیان قاره امریکا کردند نبود، روش ها تغییرات در در خودشان میگذراندند اما اصل نابودی انسانیت همان نقشه کلی را طی میکرد و آن چیزی جز به انداختن یوغ اسارت به گردن ملت های آزاد نبود.

سوم:

ویتنام کشوری در آسیا، نتوانست از دست حقوق بشر و عدالت امریکایی بگریزد؛

جوی خون مظلوم هایی که در یک شبانه روز در ویتنام قتل عام و خون کودکانی که از مادران جدا و هر کدام با چندین گلوله کشته شدند، دهان یایوه گویمان مدعیان دموکراسی و حقوق بشری را نتوانسته است که ببندد.

گفتار تاریخی عجیبی وجود دارد که فرمانده راینده هور میگوید: از طرف سرهنگ میچل دستور داشتیم که حتی مرغ ها می لای(روستایی در ویتنام که با ۵۰۰ کودک و زن، همگی زنده زنده در آتش سوختند) نباید زنده بمانند.

چهارم:

از جنایات و فجایع انسانی به این سادگی ها نمیتوان گذشت اما پس از تشکیل سازمان سیا(intelli- gence agencies) نرم نرمک نوع خیانت ها تغییر کرد و جایش را به عملیات های جاسوسی داد؛ نقل و انتقال نیرو، طراحی عملیات های کو چک و پیچیده و تجهیز نیرو ها برای عملیات خرابکارانه، از هر نظر ایمن تر و شیطان بزرگ را بیشتر میتوانست به اهدافش نزدیک کند؛ عملیات های خرابکارانه ای که نرخ انجام موفقیت امیزش با وجود جاسوسان به غایت خبیث، خیال حکومت عدالت خواه امریکا را از بابت سرکشی ها و وقاحت ملتها راحت میکرد؛ در همین راستا امریکا

بعید است که تاکنون نشنیده باشیم امریکا، ابر قدرت غرب، چگونه تبدیل به ابر قدرت شده است؛ متاسفانه یا خوشبختانه آنچه که ایرانیان از امریکا برای خودشان متصور میشوند، مدینه فاضله ایی است که لنگه ندارد. آری قطعا مهد اقتصاد و سرمایه در آن طرف دنیا که توانسته اقتصاد اینور دنیا بچرخاند، مسلما لنگه اش در هیچ کجا نیست و هیچ کس، حریف این اسب افسار گسیخته نمیتواند باشد؛

گاهی باید انسانیت را بیدار کرد و به آن فهماند که پوسته کاغذی و زیبای امریکا همراه با مسئولان دلسوز کرواتسی شان، چقدر در باطنش شرارت ها نهفته است.

جنایات و شرارت هایی که انسانیت را هیچ انگاشته و دنیا قرار است با سلطه امریکایی ها، جنایت ها را توجیه، مثل اسبی تندرو به سمت امپریالیسم جهانی حرکت کند.

مرور چند جنایت وحشتناک قطعا اولش خاطر را انچنان آزوده نمیسازد، تاحدی که به آنچه که اتفاق افتاده میخندیم و میگوییم مگر چنین انسان هایی هم وجود دارند اما

جنایات و به دنبال آن قدرت نمایی امریکا، معطوف به سالهای معاصر نیست بلکه از ابتدا تا انتها فکر ایجاد هژمونی عظیم الجثه و نظام سلطه خود در افکار امریکایی ها متجلی بود.

مرور چند جنایت بی رقیب توسط امریکا، اندکی باطن این موجودیت ذاله را آشکارتر میکند:

اول:

جنایاتی که کاشفان قاره امریکا در حق بومیان امریکاشمالی انجام دادند، فاجعه انسان گریزانه ایی بود که در دنیا کسی جز خود امریکا، در آن لنگه ندارد، کریستف کلمب: همین که به اولین جزیره، سرزمین جدید رسیدم، عده ایی از بومیان را اسیر کردم تا قدرتم را به آنان نشان دهم.

دوم:

جنایت عجیبتیشان در حق این بومیان مظلوم سرخ پوست، استفاده از آنان به عنوان کارگران معدن مس و طلا امریکا بود و هر کس را که از کار سر باز میزد با یک جریمه کوچک سزای اهمالکاری اش را میداد؛



افول رژیم مافیا

رهبر انقلاب اسلامی:

آمریکای امروز از آمریکای چهل سال قبل که انقلاب ضعیف تر است. (۱۳۹۷/۸/۱۲) همچنان که شکوه و جلال تابتانیک مانع از غرق شدن آن نشد، شکوه و جلال آ غرق شدنش نیست و آمریکا غرق خواهد شد. (۱۳۹۷/۱۱/۲۹)

که خیال راحتی از همسایه قدیمی اش کوبا نداشت و باید صابون قدرت امریکا در هر حال به تنش میخورد، در اکتبر ۱۹۸۱ ویروسی در آزمایشگاه های سیا ساخته (به نام تب استخوان شکن) و بیش از ۳۰۰ هزار کوبایی مریض شدند؛ سازمان سیا در سایر کشور ها چون پورتوریکو، گواتمالا، پاکستان و کشورهای دیگر انجام دادند و نتایجی را که به دست آوردند، تلویحا ذکر کردند که سازمان سیا هزینه این پژوهش های پزشکی را بر عهده داشت؛ البته قضیه زمانی بر جذابیتش افزوده میشود که بدانید مردم آسیایی و سیاهپوستان هزینه انسانی آزمایش را میدادند.

پنجم:

سلطه بی حد و حصر آمریکا حتی کشور ضعیفی مثل افغانستان را بی نصیب نگذاشت، مقامات امریکایی خودشان ذکر کرده اند که هدف از حادثه یازده سپتامبر اول از همه قطع درآمد طالبان از مواد مخدر (۶۰ میلیارد دلار در سال)، ثانیاً سلطه بر گاز افغانستان بود تا بتواند در آینده، با سو استفاده از قدرت انرژی زمینی معادلات جهانی را تحت نفوذ در آورد.

ششم:

داستان انتقال سیاهپوستان با کشتی های باری، و قرار دادن آنان در سوله هایی با ارتفاع ۱۰۰ سانتی متر و طول ۱۸۰ (شبهه به قبر) که امریکا توانست با این کشتی ها حدود ۲۵۰۰۰ نفر از سیاهپوستان را با هر کشتی جابه جا کند؛ کتاب کلبه عمو تام را برای درک بیشتر ظلم و آنچه که بر سیاهان گذشت حتما بخوانید!!!!

چه باید بشود تا ابنا بشر و ایرانیان و جهانیان متوجه شوند امریکا خونخوار ترین موجودیت از یک دولتی است که پا به عرصه وجود گذاشته است؟

جنایت امریکا در خود ایران برای مردمانمان واضح و مبرهن نیست؟

انواع تهدید ها و تحریم های کمر شکنی که عرصه اقتصادی را به ملت ما تنگ تر کرد، ترور دانشمندان هسته ای، که بیشترین خدمت دانش آنها در خصوص علم پزشکی بود، دیکته کردن فرهنگ غربی با انواع جنگ نرم علیه اذهان ملت شریف ایران، اجبار به قرار دادهای هنگفت و امثالهم

کم جنایتی علیه مردم مظلومی که بانیان صلح جامعه اند ، نیست.

امریکا از زمان اظهار موجودیتش تا به امروز، کم در حق ملت های شریف جنایت نکرده و امثال این تعاریف برای برخوردن به غیرت ایرانیانی است، که نان ایران را میخوردند اما آرد دولت امریکا را الک میکنند؛

در پایان آنچه که امروز امریکا آن را با عنوان قدرت و هژمونی یاد میکند، حقیقتاً چیزی جز استعمار و تحمیل ظلم در نتیجه آن بردهداری و بیگاری از ملت های مظلوم نیست؛ استفاده از نیروی انسانی به قیمت مفت و با اجبار و تهدید ، یکی از همان دلایلی است که امریکا ان را قدرت میداند؛ به راستی این جایگاهی که امریکا، ان را نامشروع و روی خون میلیونها مظلوم بنا کرده، همانند سیلی خواهد شد که دیر یا زود امریکا را به ورطه هلاکت خواهد کشاند.



بی

پیروز شد، به مراتب
ل کشتی معروف
آمریکا هم مانع از

(۱۳۹۸)

شاید سلطان بزرگ و



علی هاشمی/ داروسازی ۱۴۰

کودتای بزرگ

شاهنشاهی ایران و ۴- تشدید طرز فکر پارانوئید (توطئه‌انگاری) غالب در ایران از دیگر اتفاقات و تبعات کودتای ۲۸ مرداد این بود که شاه، مناقشه ای نفتی را پس از یکوقفه قابل توجه، در اواسط سال ۳۳، و طی یک موافقتنامه پیچیده با تقسیم سود پنجاه درصد با یک کنسرسیوم امضا کرد.

آبراهامیان درباره این توافقنامه هم کنایه جالبی دارد. او می‌گوید «حتی ویلیام داری هم بسیار کمتر از این طلب می‌کرد». به عبارت ساده، پس از پیروزی کودتای ۲۸ مرداد، اشتهای انگلیسی‌ها چنان زیاد و جاده غارت نفت ایران، چنان برای غربی‌ها هموار شد، که امتیازات داری، مقابلش هیچ بودند.

اری شیطان بزرگ در این کودتا امید، استقلال و آزادی ملت ایران را به آرزویی تبدیل کرد، از پشت به ملت ایران خنجر زد و با بدست آوردن نفوذ بی نهایت در ایران هر لحظه نفس آزادی را در کشور را زیر سوال می برد.

اما خاکستر امید در آن دوران خاموش نشد و در ۲۲ بهمن سال ۵۷ سیلی محکمی از ملت ایران بر صورت منحوت این شیطان نشست و آمریکایی که دشمنی را علیه ایران شروع کرده بود به ناچار نفوذ خود را در ایران روبه زوال مشاهده کرد...

قدرت شاه روبه زوال به پیش رفت. مصدق در زمان نخست وزیری خود با چالش های زیادی از جمله تحریم خارجی نفت مواجه شد و در این زمان آمریکایی ها که در کمین فرصتی بودند تا نفت ایران را از چنگ انگلیس در بیاورند با به راه انداختن بساط کودتا و روی کار آوردن زاهدی به مصدق خیانت کرده و دولت را برگرداندند.

بعد از کودتا مکشف به عمل آمد که واشنگتن گزارش های مهم ارسال خود از تهران را با لندن به اشتراک می گذاشت و با همکاری Mİ۶ و با کار بر روی بازاریان یا اوباشی چون شعبان بی‌مخ و تیمسار زاهدی عملاً کودتا را به سمت نظامی گری پیش می بردند.

در برخی منابع اذعان شده که آمریکا بیش از ۴۵ میلیون دلار کمک مالی بلا عوض برای انجام این کودتا در اختیار زاهدی قرار داده بود.

جالب اینجاست مطبوعات غربی اغلب این اتهام را مطرح می کردند که مصدق دیکتاتور است. اگر چنین بود، او باید نخستین دیکتاتوری باشد که زنجیره وسیعی از نشریات و نمایندگان مخالف را تحمل کرده است.

بروآمد آبراهامیان نویسنده کتاب کودتا معتقد است کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، چهار پیامد مهم داشته است: ۱- ملی‌زدایی از صنعت نفت ایران، ۲- نابودی مخالفان سکولار شاه، ۳- مشروعیت‌زدایی مرگبار از نظام

کرد و بحران های زیادی بر کشور به راه انداخت. شاید سوال باشد نفت برای مردم سرمایه و راحتی می آورد اما بی عدالتی در پرداخت حقوق ها موجب خشم ملی علیه آنان شد تا جایی که یکی از نمایندگان حزب کارگر پارلمان بریتانیا در پی بازدیدی که از ایران داشت اظهار کرد: «هنگامی که حتی از بچه‌های ۱۴ ساله هم می‌شنوید که این طلای مایع باید متعلق به ما باشد نه انگلیسی‌ها، به این معناست که باید از جا برخاست و گوش فرا داد.»

به سال ۱۳۲۹ برویم جایی که جبهه ملی و دکتر مصدق گامی بزرگ در تاریخ ایران برداشتند. روز ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ کمیسیون نفت پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت را تصویب و اعلام کرد. قانون ملی شدن صنعت نفت در واقع پیشنهادی بود که به امضای همه اعضای کمیسیون مخصوص نفت در مجلس شورای ملی ایران در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ به مجلس ارائه شد و در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس شورای ملی تصویب گردید.

بر طبق این قانون عملاً نفت از دستان انگلستان خارج شد و با اخراج و بستن سرکنسولگری ها و سفارت انگلستان در پی دخالت های مداوم انگلیسی ها در امور داخلی ایران در مهر ماه ۱۳۳۱ عملاً انگلستان از ایران بی بهره می ماند.

با روی کار آمدن مصدق و تشکیل دولت پیشنهادی او تا حد زیادی

>>>نفت>> ماده ای سیاه و ارزشمند که در تجارت آن رنگ طلائی طلا دیده می‌شود و چشم استعمارگران بدنبال آن است. بلی نفت طلای سیاه است اما وقتی در ایران حرف از نفت می‌شود نفت رنگ سرخ به خود می‌گیرد و یادآور خون و سرخیست است.

به سال ها قبل برویم جایی که ایران بزرگترین پالایشگاه جهان یا درست بگوییم انگلیس بزرگترین پالایشگاه جهان را در آبادان ایران احداث کرد.

طی قرار دادی که ویلیام ناکس داری با بوی استعمار با حکومت ایران بست بنا شد داری ۵۰ هزار لیتر انگلیسی را به‌طور نقد به شاه و ۲۰ هزار لیتر را هم به‌شکل سهام به چهره‌های مهم حکومت بدهد و به دولت ایران هم گفته شده بود ۱۶ درصد سود خالص سالانه فروش نفت را به آن ها پرداخت خواهد کرد.

در طی این قرار داد انگلستان سایه سیاه استعمار نفتی خود را بر روی مردم ایران قرار داد و عملاً کنترل نفت ایران را بر عهده گرفت. سودمندی و استراتژیک بودن این ماده در این کشور به قدری مهم بود که گفته می‌شود که نیازهای سوختی نیروی دریایی و هوایی انگلیس را در آسیا این نقطه تامین کرده است و در جنگ جهانی دوم برای عدم کنترل نازی ها بر این نقطه نیرو های خود را وارد ایران

با فرهنگ شهادت، جامعه به عقب بر نخواهد گشت

این شماره تقدیم می‌شود به روح مطهر سید روح‌الله عجمیان

اینها! شهیدان! کسانی هستند که ایثار میکنند؛ فرهنگ ایثار، فرهنگ گذشت، فرهنگ مایه گذاشتن از خود برای سرنوشت جامعه و برای سرنوشت مردم. این فرهنگ اگر عمومی شد، این کشور و هر جامعه‌ای که این فرهنگ را داشته باشد، هرگز متوقف نخواهد شد؛ به عقب بر نخواهد گشت و پیش خواهد رفت. ● ۱۳۹۳/۱۱/۲۷

